

Study of the functions of numbers from one to five in the Iranian legends

A. zabihnia Emran¹, F.Kayomozade²

بررسی کاربرد اعداد یک تا پنج در افسانه

های مکتوب ایرانی

آسیه ذبیح نیاعمران^۱ فریبا قیومی زاده^۲

چکیده

Abstract

Number one is a sacred number in divine religions and is considered the secret of divinity and oneness. Two is placed against one and hence is a symbol of contradiction, conflict or temporary peace of forces and a sign of passing of time. In all secret religions, two is considered unlucky and implies shadow. Number three is also among the most useful numbers in the legends which are under investigation. And for ancient Iranian was the code of religion and magic. Number four is one of the most complete numbers. This number has been considered the cosmic order, which gives order to the chaos in the world and converts it into fixed and regular forms. The number 5 in these stories, has a less important role among the first five numbers. Many compounds have been made with this number, many of these compounds have ironic and literary value. The goal of conducting this research is to achieve the results through which we can realize the mysteries of life in the past. The results of this research showed that number one with the most frequent repetition in Legends has a high position. Meanwhile, most of the stories and legends begin with the template proposition as "once upon a time" to show the importance of this number for people.

Keywords: Iranian legends, numbers, one, two, three, five.

عدد یک در ادیان الهی عددی مقدس به شمار می‌رفته و رمز الوهیت و یگانگی محسوب می‌گردد. عدد دو در مقابل یک قرار می‌گیرد و از این رو مظهر تضاد، تعارض یا آرامش موقت نیروها و نشانه گذشت زمان است. در تمام آیین‌های سرّی، عدد دو شوم قلمداد شده و دلالت بر سایه دارد. عدد سه نیز از پرکاربردترین اعداد در افسانه‌های ایرانی است. و نزد ایرانیان باستان رمز دین و جادو بود. عدد چهار یکی از کامل‌ترین اعداد است. این عدد را نظم کیهانی دانسته‌اند؛ که به بی‌نظمی در جهان، نظم می‌بخشد و آن را به اشکال ثابت و منظم تبدیل می‌کند. عدد پنج در این داستان‌ها، نقش کم‌رنگ‌تری در بین پنج عدد اول دارد. با این عدد ترکیبات فراوانی ساخته شده که بسیاری از این ترکیبات ارزش کنایی و ادبی دارند. هدف از انجام مقاله دستیابی به نتایجی است که می‌توان از طریق آن به راز و رمز زندگی گذشتگان پی برد. یافته‌های تحقیق نشان داد که عدد یک با بیش‌ترین تکرار در افسانه‌ها از جایگاه والایی برخوردار است. از سویی اکثر داستان‌ها و افسانه‌ها با گزاره قالبی «یکی بود یکی نبود» آغاز می‌گردد که نشان از اهمیت این عدد در نزد مردم است.

کلیدواژه‌ها: افسانه ایرانی، عدد، یک، دو، سه.

1. Associate Professor of Payame Noor University.

2. M.A at payam noor university

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور.

Asieh.zabihnia@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور

مقدمه

دارد؛ در یونان باستان، بیست و پنج قرن قبل، نظر فیثاغورث بر آن بود که هر چیزی عدد است؛ او اصل هر چیزی را به عدد ارجاع داد؛ وی به علم عدد و کیفیت شکل‌گیری آن اهمیت می‌داد و درباره خواص و نظام آن بحث می‌کرد و معتقد بود علم عدد در دل آدمی کاشته شده و ارتباط با آن، تنها نیازمند اندکی تأمل و تدبّر است. مکتب فیثاغورث یک مدرسه فلسفی نبود؛ بلکه یک مدرسه دینی و اخلاقی بود که براساس نظام صوفی‌گری بنا شده بود و از مهم‌ترین اعتقادات و باورهای این مکتب آن بود که همه پدیده‌های طبیعت در واقع، عدد هستند و این اعدادند که ماهیت اشیا را تشکیل می‌دهند. فیثاغورث با توجه و تأمل در موجودات جهان، به اعداد آن‌ها پی برد و فیثاغوریون دریافتند که نغمه‌های الهی و جهان طبیعت، برپایه عدد بنا شده؛ چرا که انسجام طبیعت براساس عدد است. (خزاعی، ۱۳۹۰: ۱۶۸). بررسی اعداد یک تا پنج در افسانه‌های ایرانی می‌تواند راهی باشد برای درک رمز و رموز زندگی گذشتگان و پی بردن به افکار و اندیشه‌هایی که در پس این رموز نهفته است.

پیشینه پژوهش

تاکنون درباره کاربرد اعداد یک تا پنج در افسانه‌های مکتوب ایرانی مقاله‌ای نوشته نشده؛ اما برخی از آثار مرتبط در این زمینه عبارتند از: شفق و نیازی، در سال (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «اهمیت عدد سه با نگاهی به دیوان خاقانی» نشان دادند که پیشینه اهمیت اعداد در پدیده تقدس‌گرایی در اندیشه انسان‌های جوامع ابتدایی ریشه

افسانه‌ها اگرچه بر محور حوادث غیرواقعی می‌گردند و از یک رشته عناصر مرتبط با اعمال انسان‌ها تشکیل یافته است که روساخت و ظاهر آن محسوب می‌شوند. درون مایه و ژرف‌ساخت نیز دارند که دنیای نامحسوس افسانه‌ها را تشکیل می‌دهند. کاربرد اعداد نیز در افسانه‌های ملل همانندی خاصی دارد و نقش آن‌ها بعنوان نماد، نمایش‌گر اشخاص، کمیت و کیفیت و مناسبات زندگی انسان‌هاست. اعداد یک و دو در افسانه‌های ملل پرکاربردند. باید گفت که علم عدد، زبان رمزی خود را از متافیزیک زندگی دیانت‌های قدیم گرفته و به نوعی نشأت یافته از عادات و رسوم، فلسفه‌ها و اخلاقیات است. نکته جالب دیگر، ارتباط میان جهان و عدد است؛ چرا که در تمدن‌های قدیم، اعداد به عنوان رموزی برای نگارش سرّی، مورد کاربرد قرار می‌گرفتند و این حاکی از رابطه متافیزیک و انسان است و به این جهت است که انسان در دوران باستان به رمز عدد و اهمیت دینی آن پی برد. نامگذاری اعداد نیز بی‌حکمت نیست؛ یعنی اگر پرسیده شود چرا (۱) را یک می‌نامیم و (۲) را دو می‌نامیم و امثال آن؛ باید گفت که به عنوان مثال اروپاییان بر این باورند که علت این نامگذاری‌ها، تعداد زوایای هر عدد است. بدین صورت که در نوشتار لاتین اعداد، (۱) یک زاویه دارد و (۲) دو زاویه و... در بقیه فرهنگ‌ها نیز می‌توان اسباب و علل دیگری را برای نام‌گذاری اعداد و چرایی در نظر گرفتن شکل خاص برای کتابت ارقام یافت. تفسیر عدد از علوم رمزی است و قدمت بسیار

نیست و حال آن که ظاهراً به نظرمی رسد که هیچ چیز در جهان معلوم تر و آشکارتر از اعداد نیست که با آن می شمارند و حساب می کنند.

خزاعی و ممتحن (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «نگاره های نمادین اعداد در قرآن، اسطوره و ادبیات» نشان دادند که از آغاز خلقت با مسأله شمارش سروکار داشته و نمی توان قدمت آن را منحصر به کشف عدد دانست؛ چرا که حتی انسان های اولیه نیز برای گذران کوچک ترین مسائل زندگی ابتدایی شان نیاز به شمارش داشته اند. به همین دلیل نمی توان به ضرس قاطع، زمان خاصی را حتی برای کشف اعداد معین کرد؛ اما می توان شکل گیری اعداد و تکامل آن در فرهنگ بشری را در رابطه مستقیم با تمدن های بشری دانست؛ چرا که شکل گیری و تکامل عدد، در بستر تمدن های جهانی چون مصر، ایران، هند، چین و از این قبیل بوده است. از سوی دیگر، به همین علت است که می توان گفت تکامل اعداد، با ادیان و اساطیر رابطه مستقیم دارد؛ اعداد، جزء لاینفک اندیشه انسانی است که هم پای آن رشد کرده است؛ ادیان، اساطیر و افسانه ها نیز نمونه بارز تجلی آن و از سوی دیگر عامل غنای فکری و فرهنگی ملل و تمدن ها هستند. بنابراین هرچه اندیشه ها بالیدن گیرد، از آن جا که نیاز به ابراز و ثبت دارد، سبب تکامل صورت های ابراز آن، یعنی گفتار و نوشتار می شود.

احمدی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «نقش اعداد در آیین های گذر ایرانی؛ (با تکیه بر فرهنگ گیلان، آمل، تالش، بروجرد، لرستان و خراسان)»

دارد. بشر از دیر باز به ویژگی سحرانگیز اعداد معتقد بوده و به همین دلیل در طول قرون متمادی به برخی از اعداد تا حد تقدس اهمیت داده؛ این پدیده نه تنها در فرهنگ عامه جوامع بشری بلکه در زمینه های مختلف ادبیات آن ها نیز مجال ظهور و بروز یافته است. ملل مختلف دنیا با توجه به اساطیر اولیه تمدن هایشان به اعدادی خاص اهمیت داده و حتی آن را تقدیس کرده اند. بدین ترتیب مکاتب مختلفی به وجود آمده است که هر کدام به نوعی براساس تقدیس عددی خاص به تنظیم ایدئولوژی خود اقدام کرده اند و این خود به مراتب مجرای برای ورود برخی اعداد مهم و گاهی مقدس درون ادبیات شده است؛ در این میان شاهد انعکاس گسترده اعدادی خاص در حیطه ادبیات پارسی هستیم که بسامد آن به نسبت مقطع زمانی و موقعیت جغرافیایی در نوسان است.

محمودی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین های باستانی ایرانیان» به بررسی عدد سه در ادبیات و فرهنگ می پردازد و نشان داد که عددها مقوله ای است که انسان از دیرباز در طول زندگی از آن بهره برده و با گذشت زمان نسبت به آن ها باورهای خاصی پیدا کرده است. بعضی از عددها از جمله عدد سه، برای مردم جایگاه خاصی دارد و این عدد در زمره اعداد مقدس است.

عاصمی (۱۳۵۴) در پژوهش خود با عنوان «اعداد و عرفان» به بررسی رابطه بین اعداد و عرفان پرداخته و تأکید دارد که عرفان و سحر اعداد دانشی پنهانی است که عامه را از آن خبری

خو گرفته و شکلی تازه یافته‌اند. به همین خاطر است که شماری از افسانه‌های ایرانی در کشورهای همسایه نیز-با تغییراتی-رواج دارند و نیز بسیاری از افسانه‌های ایرانی، ریشه در کشورهای دیگر دارند. افسانه‌ها عشق به طبیعت، محبت به حیوانات، یاری به ستمدیدگان و ایستادگی در برابر ظالمان را به انسان می‌آموزند؛ در مقابل خصوصیات ناپسند انسان‌ها همچون ترس، حسادت زشت‌کرداری و دغل‌کاری، چاپلوسی و نیرنگ، ریاکاری و زورگویی را نکوهش می‌کنند. خواننده افسانه -چنانچه کودک باشد- در تقابل بین واقعیت و افسانه، به دنیای افسانه پناه برده «واقع‌گریز» می‌شود و به‌طور کلی در روزگاری که این همه داستان‌های آموزنده و با ارزش وجود دارد، خواندن افسانه کاری پیموده است. باید گفت که هر کدام از این دیدگاه‌ها بخش‌هایی از حقیقت را بازگو می‌کند. اما درست آن است که نه باید در فواید افسانه زیاده‌روی کرد و نه در زبان آن راه افراط پیمود. (برآبادی، ۱۳۸۳: ۳۹).

نمادها و اعداد در افسانه‌های ایرانی

افسانه‌ها اگر چه بر محور حوادث غیرواقعی می‌گردند و از یک رشته عناصر مرتبط با اعمال انسان‌ها تشکیل یافته‌اند که روساخت و ظاهر آن محسوب می‌شوند درون‌مایه و ژرف‌ساخت نیز دارند که دنیای نامحسوس افسانه را تشکیل می‌دهند و به درک و تحلیل آن، فضای ناشناخته قصه پدیدار می‌شود. معنای نهفته‌ای که در آزمون‌ها و خوشی‌های پایان افسانه‌هاست. همان روح و

نشان داد که با بررسی فرهنگ عامیانه ایران و حضور اعداد در آن می‌توان گفت در آیین گذار ایرانی، تقدس اسطوره‌ای یک عدد بر اهمیت و حضور آن در فرهنگ عامیانه ایرانی اثر گذاشته است. اغلب اعدادی که امروزه در آیین‌های گذر دیده می‌شوند، حضور پرننگی در اساطیر ایرانی و آداب و رسوم ایرانیان کهن دارند. در این میان برخی از آیین‌ها، اعداد بیش‌تر رنگ تقدیس به خود گرفته‌اند.

افسانه‌های ایرانی

افسانه و افسان (afsan) به معنی نیرنگ، فریب و جادوگری آمده است. غالباً به صورت «fable» نزد اروپاییان بکار می‌رود. «افسانه به هر حکایت یا داستان منقول گفته می‌شود که از نظر شکل ساختی، روایتی غالباً شل و ول دارد و برای سرگرم کردن نقل می‌شود.» (میرصادقی، ۱۳۶۰: ۷۷) افسانه‌ها بیانگر ذوق‌ها، سرشت‌ها و خیالات شیرین مردم عوامی است که گستره ذهنی خویش را در قالب آن ریخته‌اند و از این راه به جست و جوی راه‌گذری به آیندگان به صورت نقل سینه به سینه و نسل به نسل هستند. افسانه‌ها بسیار ارزشمندند، ضمن سرگرم کردن خواننده، تخیل او را تقویت می‌کنند، باعث رشد عواطف خواننده می‌شوند. روحیه ماجراجویی را در خواننده برانگیخته از او فردی نترس بار می‌آورند. ارزش‌های والای انسانی، هم‌چون راستگویی، خوش‌قلبی، نوع‌دوستی، عشق به افسانه‌ها همراه آدم‌ها از سرزمینی به سرزمین دیگر سفر کرده‌اند؛ در آنجا با ویژگی‌های فرهنگی سرزمین جدید

دانست. عدد نیز مانند فضا و مکان که دو اصل اسطوره‌ها هستند، مفهومی کاملاً اسطوره‌ای است. کاسیرر معتقد است مفهوم عدد «زیربنای همهٔ هیئت‌ها و تصویرهای اسطوره‌ای می‌شود که در مرحلهٔ پیشرفته‌تری شکل می‌گیرند. زمانی دراز پیش از آن‌که عدد، واحد محض برای اندازه‌گیری شود، به منزلهٔ «عدد مقدس» پرستیده می‌شد. حتی در اوایل پیدایش ریاضیات علمی، هنوز هم رایحهٔ این پرستش به مشام می‌رسید.» (کاسیرر، ۱۳۸۷: ۱۲۱). وی تقدس اعداد را نتیجهٔ این امر می‌شمارد که عدد هم چون پیوند جادویی عمل کرده و قبل از ارتباط دادن امر، آن‌ها را در درون روح همساز و همسان می‌سازد. البته تمام اعداد در مفهوم اسطوره‌ای کاربرد ندارند و در حوزهٔ کهن‌الگوها قرار نمی‌گیرند.

بررسی عدد یک تا پنج در افسانه‌های ایرانی

در مقالهٔ حاضر ۱۲۰۰ افسانهٔ مکتوب ایرانی مورد بررسی قرار گرفته که در آن‌ها، عدد یک تا پنج کاربرد داشته است.

عدد یک و دو

وقتی می‌گوییم «یک»، موضوعاتی مانند شروع شدن، منحصر به فرد بودن، و وحدت در ذهن تداعی می‌شود. عدد یک سمبولی از یکتایی و هم‌چنین تقسیم‌ناپذیری است. یک اولین و بهترین عدد است و معنی تمام و کمال را می‌دهد. واحد بودن را تداعی می‌کند. در افسانه‌های ایرانی عدد یک، قداست خاصی دارد؛ چرا که با خداوند واحد و احد ارتباط دارد. نتایج بررسی افسانه‌ها

باطن ناشناخته‌ای است با اسامی عام و کلی که به عنوان عنصر مشترک با نیازها و آمال انسانی قرار گرفته است و به نظر می‌رسد که «نماد» باشد به عنوان مثال «آب» در افسانه‌ها، نماد رهایی یافتن و ولادت است هم‌چنین «غار، چاه، جنگل و اتاق ممنوعه در افسانه‌ها نماد عبود باطنی است که قهرمان با گذراندن پیروزمندانهٔ آن‌ها، تجدید حیات می‌کند و به کمال می‌رسد.» (ستاری، ۱۳۵۰: ۱۲۳). نمادهای دیگر هم چون «پوست مار»، «انگشتر»، «اژدها»، «عصا و کفش آهنی»، «گنج»، «دوک نخ ریسی»، «گوسفند سیاه و سفید» و «خون» نیز از این جمله‌اند.

کاربرد اعداد در افسانه‌های ملل همانندی خاص دارد و نقش آن‌ها به عنوان نماد، نمایش‌گر اشخاص، کمیت و کیفیت و مناسبات زندگی انسان‌هاست. اعداد چهل، هشت، هفت، شش، چهار، سه، دو و یک در افسانه‌های ملل پرکاربردند. از این میان عدد «هفت» که تصویر انسان کامل را بیان می‌کند، در یونان، روم باستان، مصر و اقوام هند و ژرمن تقدس دارد. در افسانه‌های ایرانی عدد «چهل» نماد کمال و پایان زمان مراحل سلوک و آزمون‌هاست. عدد «هشت» نیز در افسانه‌های ژاپن کاربرد دارد.

«عدد کلمه‌ای است که در تعیین عدّهٔ اشخاص و اشیاء به کار رود و شمارهٔ آن‌را برساند. یک موجود فرضی است دارای بعضی خواص در عمل می‌باشد و در حالت خصوصی به اعداد حقیقی تبدیل می‌شود.» (نشاط، ۱۳۸۶: ۳۳). کنار گذاشتن اعداد از زندگی روزمره ممکن نیست. شاید بتوان شگفت‌انگیزترین اختراع بشر را عدد

پرنده و نیمه انسان یا نیمه ماهی و نیمه انسان بودند در برخی تصاویر دو دم دارند. « (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۵۳). عدد دو بعد از عدد یک، ثنویت و دوگانگی را تداعی می‌کند. عدد دو مظهر توازن، انعکاس، قطب‌های متضاد و ذات دو گانه انسان است. از لحاظ اسطوره‌ای، دو حیوان با نمادهای یکسان حتی اگر از دو نوع متفاوت باشند، مثل دو شیر یا یک شیر و یک گاو نر که هر دو نماد شمسی هستند؛ مظهر قدرت مضاعف‌اند. در اساطیر هند، آگنی (خدای آتش) دو وجه داشت. در ایران باستان، عدد دو در مبارزه اهورا مزدا و اهریمن جلوه گر می‌شد. عدد دو با جدال شب و روز به عنوان دو وجه از روزگاران و نیز با دو جهان، یکی زمینی و دیگری ماورائی مرتبط بود. (نورآقایی، ۱۳۸۸: ۳۶).

عدد سه

عدد سه، در افسانه‌های ایرانی عددی مقدس است؛ و سمبل خیر، فال خوب و شانس زیباست و آفرینش را نشان می‌دهد. عدد سه از پرکاربردترین اعداد در افسانه‌های مورد بررسی است. در سراسر جهان، سه عددی بنیادی است. سه نخستین عدد در بردارنده‌ی واژه «همه» است. سه تداعی کننده انسان (بدن، جان، روح)، چرخه حیات (تولد، زندگی، مرگ)، سیکل کامل (آغاز، میان، پایان) و (گذشته، حال، آینده) است. در اساطیر ایرانی، جمشید دارای سه فره یا سه عبارتی بهتر فرهی با سه جلوه است. یکی از آن‌ها که فره خدایی است به مهر می‌رسد. فره‌شاهی به فریدون

نشان می‌دهد که عدد یک ۱۰۴۸۴ بار تکرار در افسانه‌ها از جایگاه والایی برخوردار است. هم-چنین ذر اساطیر ایران یکمین روز از هر ماه به نام اورمزدا (اهورامزدا) نام‌گذاری شده که رابطه میان خدا و عدد یک را به یاد می‌آورد. از طرفی وقتی به شکل عدد یک دقت کنیم، تعاریف عدد یک و آنچه را تداعی می‌کند؛ بهتر متوجه می‌شویم. از آن جا که به سمت بالا کشیده شده است، خداوند تعالی را تداعی می‌کند. تا جایی که این کشیدگی به سمت بالا حتی در لفظ خدا هم دیده می‌شود. الله، خدا، برهما، شیوا، کرشنا، God و... یک جور کشیدگی حرف (آ) را دارند. (نورآقایی، ۱۳۸۸: ۳۰). عدد یک به ویژه در ادیان الهی عددی مقدس به شمار می‌رفته، رمز الوهیت و یگانگی محسوب می‌گردد.

عدد دو، در افسانه‌های ایرانی سمبل تشنیه است، که خلق آسمان و زمین را به عهده دارد و شب و روز را می‌آفریند و نیز سمبل مذکر و مؤنث است. در ایران باستان، عدد دو را مظهر شر و بدی می‌شمردند دو در مقابل یک قرار می‌گیرد و از این رو می‌توان مظهر تضاد و نوعی درهم ریختگی باشد. «دو رمز تعارض یا آرامش موقت نیروهاست و نیز نشانه گذشت زمان است. در تمام آیین‌های سری، دو شوم قلمداد شده است. این عدد دلالت بر سایه دارد و نیز نشانگر جنسی بودن، اتصال بین مرگ و بی‌مرگی و تغییر و ثبات است. دو، با مادر عظمی^{۱۳} نیز مربوط است. دو هم چنین می‌تواند رمز انشقاق و ثنویت باشد. سیرن‌ها^{۱۴} یعنی زنان افسونگری که نیمه

عدد چهار

در افسانه‌های ایرانی مطابق نظر قدما برای این باورند که قدرت اصلی خلقت بر چهار عنصر: زمین، آب، آتش، و هوا تقسیم بندی شده است. عدد چهار متداول‌ترین عدد در بین تصاویر کهن-الگویی به شمار می‌رود. چهار فصل سال با این نماد به تصویر کشیده می‌شود. در ایران باستان بر پایه کتاب اوستا، دوره آفرینش به چهار مرحله تقسیم می‌شد که هر مرحله سه هزار سال بود و این کتاب خود از چهار بخش تشکیل می‌شود که مردم را چهار طبقه می‌داند: کهنان، رزمندگان، کشاورزان و صنعتگران. (سلیم الحوت، ۲۰۰۴: ۹۷).

گرین عدد چهار را «متداعی با دایره، چرخه زندگی، چهار فصل، اصل مادینه، زمین، طبیعت و چهار عنصر می‌داند.» (گرین، ۱۳۷۶: ۱۶۲). این عدد به نحو عجیبی با سه در ارتباط است. چهار نماد کمال و تمامیت است و در مسیحیت نیز ارزش والایی دارد. یونگ معتقد است تثلیث مسیحیت باید با یک پایه دیگر که مریم مقدس است، کامل شود. (یونگ، ۱۳۸۳: ۸۳) او در جای دیگر نیز در کنار سه عامل نیکی پدر، پسر و روح القدس جنبه منفی یعنی دجال را برای تکامل لازم می‌شمارد. شکل ظاهری صلیب که تداعی کننده یک چهار گوش است و نیز چهار انجیل همراه با مبشر آنها، هم‌چنین توجه به چهار جهت اصلی با این عدد نمایش داده می‌شود. (همان). به نظر می‌رسد چهار، کهن‌ترین عدد در بین اعداد کهن-الگویی باشد. «رمز رقم چهار از حیث قدمت به دورترین زمان‌ها و شاید به دوران قبل از تاریخ

می‌پیوندد و فرۀ پهلوانی را گرشاسب به دست می‌آورد. (خدا، شاه، پهلوان). از ی دهاک سه سر داشت و جامعه طبقاتی سه گانه بود: موبدان، ارتشداران و کشاورزان. (نورآقایی، ۱۳۸۸: ۴۲). این عدد بیانگر نور و روحانیت همراه با نوعی وحدانیت است. در مسیحیت سخن از تثلیث مقدس پدر، پسر و روح القدس دیده می‌شود. به عقیده کاسیرر این سه مورد در عدد سه به یک واحد مبدل می‌شوند. «سه پایه طبیعی پدر، مادر و فرزند هنوز هم به آسانی در بطن سه‌گانه انگارشی خدا، پسر، روح القدس قابل تشخیص است.» (کاسیرر، ۱۳۷۸: ۲۴۱). اوزنر تقدس عدد سه را ناشی از عصر فرهنگ ابتدایی می‌داند که این عدد پایان رشته اعداد بوده و از این رو بیانگر کمال و کلیت مطلق شده است. (همان: ۲۴۰). در تجلی «ویشنو» به صورت کوتوله می‌بینیم که او برای کنار گذاشتن بالی، از او می‌خواهد اجازه دهد در جایی سه گام بردارد و سپس زمین و آسمان و جو را از آن خود می‌سازد. هندوها تفاسیر متعددی از سه گام ویشنو کرده، گاه طلوع و غروب و اوج خورشید را مفسر این سه گام دانسته و گاه آن را سه جلوه آگنی اعم از تجلی آتش در زمین، رعد و برق در آسمان و درخشش خورشید در جو دانسته اند. (ذکرگو، ۱۳۷۷: ۷۲). در هر حال سه گام ویشنو و تفاسیر مربوط به آن به نوعی تقدس عدد سه را در نزد هندوها سبب شده است. در اسطوره‌های ایرانی نیز سه اهمیت فوق العاده‌ای دارد. اهورامزدا، آناهیتا و میثرا (مهر) تثلیث نیرومندی می‌سازند که حافظ سلطنت و آثار آن هستند. (بهار، ۱۳۷۶: ۳۹۵).

یادآور می‌شود که هم اهمیت معجزه‌آسای چهار رنگ را نشان داده و هم عدد چهار را تبیین می‌کند. (یونگ، ۱۳۸۳: ۸۱). عدد چهار در کلیه ادیان و مذاهب مختلف مورد توجه و اهمیت واقع شده که این امر خود موجب شگفتی بسیار است.

عدد پنج

در افسانه‌های ایرانی پنج، شماره انگشتان دست و پای آدمی است. تعداد حواس را بیان می‌کند. «علامت وصلت است و فیثاغورثیان آن را عدد نکاح خوانده‌اند. در ضمن پنج، عدد مرکز، هماهنگی و توازن است.» (شوالیه، ۱۳۷۸: ۲۴). عدد پنج، در بین بسیاری از ممالک اهمیت فوق العاده دارد. کشورهای چین، ژاپن، ایرلند، آمریکای لاتین، مراکش و هند از این جمله‌اند. چینی‌ها کلیه قوانین بشری را پنج‌گانه در می‌یابند که پنج رنگ و طعم و لحن و سیاره نمونه‌ای از آن هستند. در هند پنج عدد خدای شیواست و اصل زندگی را نشان می‌دهد. در اسلام نیز عدد پنج بسیار مقدس است و اشاره به پنج نور آفریده شده پیش از نخستین آدم دارد. در فرهنگ نمادها ستاره پنج پر، پنج نماز، خمس اموال، پنج تکبیر، پنج کلید قرآن مجید در راز عرفان و پنج انگشت دست حضرت فاطمه را نشان از تقدس این عدد در اسلام می‌داند. (همان: ۲۵۲). عدد پنج در بین برخی از فلاسفه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است، به طوری که معتقد به «قدمای خمسه» هستند و پنج اصل خدا، نفس، هیولی و زمان و مکان را قدیم می‌دانند. البته اسماعیلیان به تقدس عدد پنج معتقدند (همان: ۲۶۰).

برمی‌گردد و همیشه با تصویر خدای خالق جهان توأم بوده‌است. رمز تربیع، تجسم کمابیش تقسیم خداوند است و در رؤیاهای اشخاص حاکی از چیزی شبیه به خدای باطنی است.» (لوفلر، ۱۳۶۶: ۱۷۸). بهار از استاد خود هنینگ نقل می‌کند که حتی ایرانیان در آغاز، تنها به چهار آسمان معتقد بودند و اعتقاد آنان به هفت آسمان به سبب نفوذ عمیق نجوم بابلی بر ایرانی است. (بهار، ۱۳۷۶: ۶۶). در مصر هم چهار نقطه اصلی رسمیت داشت و در تعداد خدایان و فرزندان آن‌ها عدد چهار به نحو عجیبی تکرار می‌شود که این تکرار به هیچ وجه تصادفی نیست. در اندیشه خدانشناسی هلیولولیس مصریان، اعتقاد بر این بود که قدرت اصلی خلقت بر چهار عنصر تقسیم‌بندی شده است: زمین، آب، آتش، و هوا؛ و می‌پنداشتند که اسباب آفرینش، چهار قورباغه و چهار مار بوده‌اند که نماد هیولای آغازین هستند و نامشان (نان و نانیت)، (کوک و کوکیت)، (حوح و جوحیت) و (آمون و آمونیت) است. (هووک، ۱۶۶۸: ۵۸). بدین ترتیب عدد چهار کامل‌ترین عدد است و نماد کمال الهی به‌شمار می‌رود. دانشمندان و فلاسفه طبیعی در قرن‌ها پیش بین دایره و عدد چهار ارتباط مستقیم قائل بوده و دایره را به معنی خدا می‌دانستند. یونگ بر آن است که تصاویر الوهیت نهفته در بطن ماده در علم کیمیا، سرزمین بهشت، تخم مرغ اولیه که جهان از آن اراده شد، یا همان ماهی گرد در دریا که منشأ آفرینش بود همه و همه با عدد چهار و دایره در ارتباط هستند. وی هم چنین چهار مرحله اکسیر اعظم را که شامل سیاهی، سفیدی، سرخی و زردی است

نتیجه گیری

مردم ایران زمین مربوط می‌گردد؛ زیرا این عدد تداعی کننده انسان (بدن، جان، روح)، چرخه حیات (تولد، زندگی، مرگ)، سیکل کامل (آغاز، میان، پایان) و (گذشته، حال، آینده) است. هم-چنین در اساطیر ایرانی، جمشید دارای سه فره یا به عبارتی بهتر فرهی با سه جلوه است. یکی از آن‌ها که فره خدایی است به مهر می‌رسد. فره شاهی به فریدون می‌پیوندد و فره پهلوانی را گرشاسب به دست می‌آورد. (خدا، شاه، پهلوان). از دهک سه سر داشت و جامعه طبقاتی سه گانه بود: موبدان، ارتشداران و کشاورزان و این کاربرد نشان از وجوه اعتقادی به این مساله است. در زمینه تقدس اعداد و بسامد آن در افسانه‌ها بایستی اذعان کرد که عدد یک به ویژه در ادیان الهی عددی مقدس به شمار رفته، رمز الوهیت و یگانگی محسوب می‌گردد. عدد یک، در میان مسلمانان اشاره به خداوند واحد است و یهودیان نیز این عدد را سمبل «یهوه» می‌دانند که همان خداوند یکتا است و مسیحیان نیز به خداوند واحد اعتقاد دارند. عدد دو در این افسانه‌ها در مرتبه بعدی کار برد قرار دارد. در تقدس این عدد می‌توان یادآور شد که در ایران باستان، عدد دو در مبارزه اهورا مزدا و اهریمن جلوه گر می‌شد و عدد دو با جدال شب و روز به عنوان دو وجه از روزگاران و نیز با دو جهان، یکی زمینی و دیگری ماورائی مرتبط بود.

عدد سه نیز از پرکاربردترین اعداد در افسانه‌های مورد بررسی است. در زمینه ارتباط با تقدس این عدد بایستی اذعان داشت که عدد سه، نزد ایرانیان باستان رمز دین و جادو بود؛ چرا که

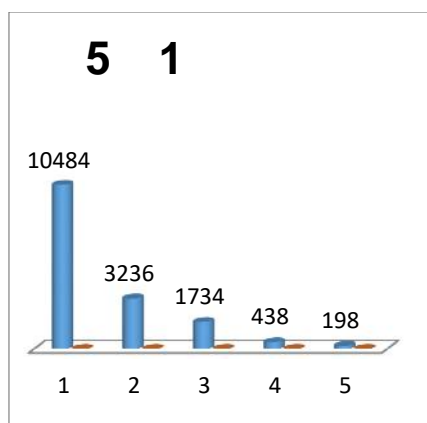
با توجه به بررسی های انجام شده، عدد یک بیشترین کاربرد را در افسانه‌ها داشته، زیرا یک اولین و بهترین عدد است و معنی تمام و کمال را می‌دهد. واحد بودن و در پی آن خداوند تعالی را تداعی می‌کند. در اساطیر ایران یکمین روز از هر ماه به نام اورمزدا (اهورامزدا) نامگذاری شده است که رابطه میان خدا و عدد یک را به یاد می‌آورد. عدد یک پرکاربردترین عددی است که هر آنچه باید در مورد آن بیان شود در خودش نمایان است. یک یادآور پاکی خداوند اقدس است. عدد یک در افسانه‌ها نشان از اعتقاد به وجودی برتر و نشان از جایگاه وحدانیت و زوال پذیری همه موجودات غیر از نیروی برتر در این جهان فانی است. عدد دو در این افسانه‌ها در مرتبه بعدی کاربرد قرار دارد و این ریشه در اعتقادات ایران باستان دارد زیرا در ایران باستان، عدد دو را مظهر شرّ و بدی می‌شمردند و آنرا نماد درگیری میان اهورا مزدا و اهریمن می‌دانستند؛ نیز در مذهب زرتشتی عدد دو، در جدال میان شب و روز آشکار می‌شود، و باور اعتقادات زرتشتی چنین است که دو خدا وجود دارد: خدای نور و خدای ظلمت، و بدین جهت آن را دوگانه می‌نامیدند. در ایران باستان، عدد دو در مبارزه اهورا مزدا و اهریمن جلوه گر می‌شد و عدد دو با جدال شب و روز به عنوان دو وجه از روزگاران و نیز با دو جهان، یکی زمینی و دیگری ماورائی مرتبط بود. عدد سه نیز از پرکاربردترین اعداد در افسانه‌های مورد بررسی است و این نیز به زیر بنای اعتقادی و نگرشی

عدد پنج در افسانه‌های ایرانی با بسامد ۱۹۸ بار نقش کم‌رنگ‌تری در بین پنج عدد اول دارد. با این عدد ترکیبات فراوانی ساخته شده که در متون و زبان فارسی کاربرد دارند. بسیاری از این ترکیبات ارزش کنایی و ادبی دارند: پنج ارکان (اصول دین اسلام)، پنج انگشت، پنج بر (پنج ضلعی)، پنج پا (خرچنگ)، پنج پایک (خرچنگ)، پنج پهلو (پنج ضلعی)، پنج تن (پنج تن آل عبا)، پنج تیر، پنج حس، پنج روز (مدت اندک)، پنج زبانه (چراغ پنج شعله)، پنج گانه، پنج گوش، پنج شنبه شب، پنج علت (اصطلاحی در فلسفه)، پنج-گاه (اصطلاحی در موسیقی)، پنج بوش (معجون‌های مقوی)، پنج‌لهم (عم جزو قرآن).

جدول ۱: بسامد اعداد در افسانه‌های ایرانی

بسامد اعداد ۱-تا-۵	
عدد ۱	۱۰۴۸۴
عدد ۲	۳۲۳۶
عدد ۳	۱۷۳۴
عدد ۴	۴۳۸
عدد ۵	۱۹۸

نمودار شماره ۱: بسامد عدد یک تا پنج



آنان سه خدای با نام‌های اهورا مزدا، اهریمن و میترا داشتند و مثلث اعتقادی آنان بر پایه پندار نیک، کردار نیک و گفتار نیک بود که انسان را رهایی می‌بخشد. مسلمانان در خلقت جهان، بر مثلث اتحاد آسمان و زمین و انسان معتقدند و سه منبع دینی دارند که عبارتند از: قرآن کریم، سنت نبوی شریف و فقه در دین.

نتایج نشان می‌دهد که عدد یک با ۱۰۴۸۴ بار تکرار در افسانه‌ها از جایگاه والایی برخوردار است. عدد یک به ویژه در ادیان الهی عددی مقدس به شمار رفته، رمز الوهیت و یگانگی محسوب می‌گردد. از جانبی اکثر داستان‌ها و افسانه‌ها با جمله «یکی بود یکی نبود» آغاز می‌گردد که نشان از اهمیت این عدد در نزد مردم است. عدد دو با ۳۲۳۶ بار تکرار در افسانه‌های مورد بررسی نقش مهمی در داستان‌ها دارد. دو در مقابل یک قرار می‌گیرد و از این رو می‌توان مظهر تضاد و نوعی درهم ریختگی باشد. دو رمز تعارض یا آرامش موقت نیروهاست و نیز نشانه گذشت زمان است. در تمام آیین‌های سری، عدد دو شوم قلمداد شده است.

عدد سه با ۱۷۳۴ بار تکرار نیز نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند.

عدد چهار ۴۳۸ بار در افسانه‌های ایرانی تکرار شده است. عدد چهار یکی از کامل‌ترین اعداد است. این عدد را نظم کیهانی دانسته‌اند؛ عددی که به بی‌نظمی و کثرت آشفته موجود در جهان نظم می‌بخشد و آن‌ها را به اشکال ثابت و منظم تبدیل می‌کند.

- در تعدادی از ۱۲۰۰ افسانه‌ای که مورد بررسی قرار گرفته، با این‌که بعضی از افسانه‌ها با گویش‌های مختلفی مربوط به مناطق مختلف بوده و تفاوت در مضمون افسانه‌ها وجود ندارد و فقط نسبت به گویش منطقه تغییراتی در آن‌ها بوجود آمده است. مثلاً قهرمانان تغییر کرده‌اند و یا مکان‌ها و اتفاقات و نحوه پایان‌بندی افسانه دچار تغییر شده، اما اعداد به کار رفته در داستان‌ها ثابت بوده است. مانند: تاجری که اقبالش برگشت و دوباره به او رو کرد. یا افسانه چوپان کچل. در بین افسانه‌های مورد بررسی، تعداد ۲۱ مورد هیچ‌گونه عددی استفاده نشد.

منابع

- قرآن کریم
- آقاشریف، احمد (۱۳۸۳) اسرار و رموز اعداد و حروف، جلد اول، تهران: شهید سعید محبی.
- احمدی، لیلا (۱۳۹۴) نقش اعداد در آیین‌های گذر ایرانی؛ (با تکیه بر فرهنگ گیلان، آمل، تالشان، بروجرد، لرستان، خراسان، و ایزدخواست)، نشریه مطالعات ایرانی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ - شماره ۲۸، صص ۱-۱۶.
- ارجی، علی اصغر (۱۳۸۲) همانندی در افسانه‌های ملل، ویژه نامه آموزش زبان و ادبیات فارسی، سال هفدهم، شماره ۷۸، صص ۵۵-۶۰.
- بدوی، عبد الرحمن (۱۳۸۹) موضوعه الفلسفه، مصر: دار الکتاب.
- برآبادی، محمود (۱۳۸۳) همراه جویبار زلال افسانه‌ها، مجله کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۷۹، ص ۲۸.

نتایج دیگر به دست آمده درباره اعداد یک تا پنج در افسانه های مکتوب ایرانی (۱۲۰۰ افسانه بررسی شده) به شرح زیر است:

- کوچک‌ترین عدد استفاده شده در این افسانه‌ها عدد یک پنجم است.
- استفاده از واحدهای شمارشی مثل دودست لباس، یک جفت کفش، یک وجی، یک دست جوالدوز، یک شاخه نبات و یک فرسخ در زیاد به چشم می‌خورد.
- استفاده از کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها در این افسانه‌ها که پایه عددی دارد، با بسامد ۱۳۵ دیده می‌شود. مانند:

- کاسه ای زیر نیم کاسه
- یک چشم بر هم زدن
- پا در یک کفش کردن
- یک سر هزار سودا
- یک خدا، بنده هزار
- یک روح در دو بدن
- یک می گفت و صد می خندید.

- در تعداد زیادی از افسانه‌های مورد بررسی نام افسانه با عدد همراه است. مانند: چهار پسر. استفاده از اعمال ریاضی مثل تقسیم بر دو، سه برابر کردن.

استفاده از کلمات مرکب که در ترکیب آن‌ها عدد به کار رفته است. مانند: چهارپایان، چهارپایه و پنج دری.

عددی که در ۴۷۵ مورد برای جنس مونث به کار رفته، در حالی که برای جنس مذکر ۳۸۹ بار استفاده شده است.

- بهار، مهرداد (۱۳۷۶) پژوهشی در اساطیر ایران، چاپ دوم، تهران: آگه.
- (۱۳۷۶)، شاهنامه از اسطوره تا حماسه، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران: انتشارات فکرروز.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۲) دیوان، تصحیح قاسم قزوینی و محمدغنی، تهران: اساطیر.
- خزاعی، مجید؛ ممتحن، مهدی (۱۳۹۰) نگاره‌های نمادین اعداد در قرآن، اسطوره و ادبیات، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، پاییز، شماره ۱۹، صص ۱۶۵-۱۸۳.
- درویشان، علی اشرف، خندان مهابادی، رضا (۱۳۷۸) فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، جلد ۱۹. تهران: نشر کتاب و فرهنگ.
- (۱۳۸۰) فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، جلد ۵. تهران: نشر کتاب و فرهنگ.
- (۱۳۸۱) فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، جلد ۱۰. تهران: نشر کتاب و فرهنگ.
- (۱۳۸۱) فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، جلد ۱۱، تهران: نشر کتاب و فرهنگ.
- (۱۳۸۲) فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، جلد ۱۲. تهران: نشر کتاب و فرهنگ.
- (۱۳۷۸) فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، جلد ۱۸. تهران: نشر کتاب و فرهنگ.
- (۱۳۸۰) فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، جلد ۷. تهران: نشر کتاب و فرهنگ.
- (۱۳۷۸) فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، تهران: نشر کتاب و فرهنگ.
- (۱۳۷۸) فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، جلد ۱۷. تهران: نشر کتاب و فرهنگ.
- دولتخواه، جلیل (۱۳۷۵) اوستا، تهران: انتشارات مروارید.
- ذکرگو، امیرحسین (۱۳۷۷) اسرار اساطیر هند، چاپ اول، تهران: فکر روز.
- رضایی، عبد‌العظیم (۱۳۶۸) اصل و نسب و دین‌های ایران باستان، تهران: طلوع آزادی.
- ستاری، جلال (۱۳۵۰) رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، مجله هنر و مردم، شماره ۴۰، صص ۷۸-۸۵.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۸) کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: سخن.
- سلیم الحوت، محمود (۲۰۰۴) فی طریق المیشولوجیا عند العرب، لبنان: دار النهار للنشر.
- شفق، اسماعیل؛ نیازی وحدت، علیرضا (۱۳۸۸) اهمیت عدد سه با نگاهی به دیوان خاقانی، فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۶، شماره ۲۵، صص ۷۱-۹۰.
- شمسبیا، سیروس (۱۳۸۳) داستان یک روح، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوس.
- شوالیه، ژان؛ آلن گربران (۱۳۷۸) فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضائلی، جلد اول و دوم، تهران: جیحون.
- عاصمی، محمد (۱۳۵۴) اعداد و عرفان، مجله کاوه (مونیخ)، شماره ۵۷، صص ۲-۴.
- عبودی، هنری (۱۹۹۷) معجم الحضارات السامیه، لبنان: دار الجروس پرس.
- کاسیرر، ارنست (۱۳۸۷) زبان و اسطوره، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مروارید.

- گرین، ویلفرد ال و (۱۳۷۶) مبانی نقد ادبی، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- لوفلر، م، دلاشو (۱۳۸۶) زبان رمزی قصه‌های پریوار، ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات توس.
- محمودی، خیرالله (۱۳۸۴) جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین‌های باستانی ایرانیان، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۴۲، صص ۱۴۲-۱۶۹.
- نشاط، سید محمود (۱۳۳۸) شمار و مقدار در زبان فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۰) خمسه، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره.
- نورآقایی، آرش (۱۳۸۸) عدد، نماد، اسطوره، تهران: نقد افکار.
- وانلون، هندریک (۱۳۴۴) تاریخ بشر، تهران: امیر کبیر.
- هینلز، جان (۱۳۷۵) شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر آویشن.
- هووک، ساموئل هنری (۱۹۶۸) منعطف المخيله البشريه: بحث فی الاساطير، لاذقيه: دارالحوار.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۳) آیون، ترجمه پروین فرامرزی، چاپ اول، تهران: به نشر.

